

هندسه‌ای برای زیستن: تحلیل تطبیقی فضاسازی و مفاهیم معماری در خانه‌ها و آرامگاه‌های شمال ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۴

کد مقاله: ۱۹۱۱۹

مبارکه الندانی^{۱*}، محمد فیروزیان^۲، شیدالله شجاع^۳، سیدحانیه
یوسفی^۴، امیرحسین عباسپور^۵

چکیده

این پژوهش به تحلیل تطبیقی چهار بنای شاخص معماری بومی مازندران، شامل خانه منوچهری‌ها، خانه رمدانی‌ها، خانه مینا و پلنگ، و مقبره میر بزرگ می‌پردازد. این آثار، که مربوط به دوره‌های قاجار و پهلوی اول بوده و در بستر جغرافیایی و فرهنگی خاص شمال ایران شکل گرفته‌اند، نمونه‌هایی غنی از تلفیق معماری سنتی ایرانی و اقتضات اقلیمی منطقه به شمار می‌روند. هدف اصلی این تحقیق، بررسی ساختارهای فضایی، هندسه و تناسب کالبدی، تعاملات میان فضاهای درونی و بیرونی، و لایه‌های معنایی این بناهاست. روش تحقیق مبتنی بر تحلیل کیفی و مشاهده میدانی است و نتایج نشان می‌دهد که سازمان فضایی این خانه‌ها و مقبره‌ها بر پایه اصولی چون مرکزیت حیاط، وجود ایوان‌های ارتباطی، تقارن محوری، و سلسله‌مراتب عملکردی میان فضاهای عمومی، نیمه‌خصوصی و خصوصی شکل گرفته است. همچنین، بهره‌گیری از مصالح بومی نظیر چوب و خشت، و تزیینات نمادین، جلوه‌ای از هویت فرهنگی و حافظه تاریخی را در این فضاها بازتاب می‌دهد. لایه‌های معنایی این بناها، نظیر مکان‌های برگزاری آیین‌ها، گرافیک و تزیینات سنتی، و روایت‌های شفاهی مرتبط با فضا، نقشی کلیدی در شکل‌گیری حافظه مکان دارند. از سوی دیگر، ظرفیت‌های فرهنگی بالای این آثار در کنار چالش‌هایی چون فرسودگی کالبدی و تهدیدهای مدرنیزاسیون، ضرورت باززنده‌سازی آگاهانه با حفظ اصالت فضایی و فرهنگی را گوشزد می‌کنند.

واژگان کلیدی: معماری بومی، ساختار فضایی، حافظه مکان، باز زنده‌سازی فرهنگی

۱- مدرس گروه معماری، موسسه آموزش عالی هدف ساری، ایران، mobarakeh7633@gmail.com

۲- مدرس گروه معماری، موسسه آموزش عالی هدف ساری، ایران، firoozian.mohammad@yahoo.com

۳- دانشجوی کارشناس معماری، موسسه آموزش عالی هدف ساری، ایران، amirhosseynshoja82@gmail.com

۴- دانشجوی کارشناس معماری، موسسه آموزش عالی هدف ساری، ایران، yousefghanieh169@gmail.com

۵- دانشجوی کارشناس معماری، موسسه آموزش عالی هدف ساری، ایران، abaspour183@gmail.com

در گستره جغرافیایی شمال ایران، به‌ویژه استان مازندران، خانه‌های تاریخی‌ای برجای مانده‌اند که نه تنها نمایانگر مهارت‌های فنی و زیبایی‌شناختی معماران بومی‌اند، بلکه حامل لایه‌هایی عمیق از فرهنگ، آیین، و شیوه زیست مردمان این ناحیه هستند. بناهایی چون خانه منوچهری‌ها در آمل، خانه رمدانی‌ها در ساری، خانه مینا و پلنگ در روستای کندلوس نوشهر، و مقبره میر بزرگ در آمل، صرفاً یادگارهای فرسوده‌ای از گذشته نیستند؛ بلکه اسناد کالبدی زیست‌جهانی‌اند که در آن، معماری به‌عنوان رسانه‌ای برای بیان روابط اجتماعی، تعامل با اقلیم، و انتقال حافظه فرهنگی عمل می‌کند (Rapoport, 1969; Norberg-Schulz, 1980). با این حال، این میراث ارزشمند امروزه با تهدیدهایی جدی مواجه است؛ از فرسایش و تخریب تدریجی، تا مداخلاتی در قالب باززنده‌سازی یا تغییر کاربری که اغلب بدون درک لایه‌های معنایی و منطق فضایی این فضاها انجام می‌گیرد. چنین رویکردهایی، فضاهای تاریخی را به پوسته‌هایی بی‌جان تقلیل می‌دهند و موجب گسست میان تجربه زیسته و ساختار فضایی می‌شوند (Canizaro, 2007; Shirazi, 2018). در چنین زمینه‌ای، نگاه به خانه‌های تاریخی نه به‌عنوان اشیای صرفاً موزه‌ای، بلکه به‌مثابه «فضاهای فرهنگی زیسته‌شده» ضرورتی است که هم از منظر نظری و هم از منظر سیاست‌گذاری حفاظت فرهنگی اهمیت می‌یابد. مقاله حاضر با اتخاذ رویکردی فرهنگی-فضایی می‌کوشد از طریق مطالعه تطبیقی چند بنای شاخص سنتی در مازندران، به واکاوی سازمان فضایی، لایه‌های پنهان معنا و ظرفیت‌های بازآفرینی معاصر این فضاها بپردازد؛ تلاشی در جهت پیوند گذشته با اکنون، و معماری با حافظه جمعی و زیست‌جهان مردم.

۲- بیان مسئله

معماری خانه‌های تاریخی مازندران، بازتاب یک نظام فضایی پیچیده و درهم‌تنیده است که در بستر تعامل پیوسته میان اقلیم مرطوب، ساختارهای اجتماعی بومی، فرهنگ محلی و فناوری‌های سنتی شکل گرفته است. این نظام فضایی از طریق سلسله‌مراتب دقیق کارکردی، استفاده هوشمندانه از عناصر میانجی مانند ایوان، هشتی، و حیاط مرکزی، و بهره‌گیری از مصالح بومی چون چوب، خشت و کاهگل، واجد منطق درونی ویژه‌ای است که منطبق با سبک زیست منطقه‌ای سازمان یافته است (نقی‌زاده، ۱۳۹۰؛ بحرینی، ۱۳۸۶). خانه‌هایی همچون خانه منوچهری‌ها و مقبره میر بزرگ در آمل، خانه رمدانی‌ها در ساری، و خانه مینا و پلنگ در روستای کندلوس نوشهر، تنها یادگارهایی از گذشته نیستند، بلکه الگوهای فضایی برای درک کیفیت‌های زیست‌پذیر، تداوم فرهنگی، و پیوند معماری با اقلیم و فرهنگ شمال ایران به‌شمار می‌آیند (Rapoport, 1969; Canizaro, 2007). با این حال، در سال‌های اخیر، فرآیندهای حفاظت، مرمت یا تغییر کاربری این بناها اغلب تحت سلطه رویکردهای سطحی و صرفاً کالبدگرا بوده‌اند که فاقد درک نظام‌مند از ساختار فضایی و لایه‌های معنایی این معماری هستند. این رویکرد موجب تقلیل فضاها به نماهایی تاریخی و از میان رفتن پیوند زیست‌جهان ساکنان با مکان‌های زندگی‌شان شده است؛ وضعیتی که به تعبیر نوربرگ-شولز (۱۹۸۰) به معنای از دست رفتن «معنا» و «بودن در مکان» است. در چنین زمینه‌ای، تحلیل تطبیقی و چندلایه‌ی این خانه‌ها ضرورتی است برای شناسایی عناصر پنهان در منطق فضایی بومی، واکاوی الگوهای فرهنگی سکونت، و بازیابی حافظه مکان در مواجهه با چالش‌های معاصر. بازشناسی این ساختارهای فضایی، به‌ویژه در زمینه فرهنگی-اقلیمی مازندران، می‌تواند مبنای تدوین راهبردهای انتقادی برای حفاظت فعال و بازآفرینی معمارانه‌ای باشد که به‌جای تکرار فرم، به تداوم معنا و هویت می‌اندیشد.

۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

خانه‌های تاریخی مازندران، مانند خانه منوچهری‌ها و مقبره میر بزرگ در آمل، خانه رمدانی‌ها در ساری، و خانه مینا و پلنگ در روستای کندلوس نوشهر، تنها سازه‌هایی فیزیکی متعلق به گذشته نیستند؛ بلکه نظام‌های فضایی پیچیده‌ای هستند که نتیجه تعامل طولانی‌مدت انسان با اقلیم، فرهنگ و فناوری محلی‌اند. این بناها، با سازماندهی فضایی منطبق بر الگوهای سکونت بومی و بهره‌گیری هدفمند از عناصر میانی مانند حیاط مرکزی، ایوان، انبار و آشپزخانه‌های نیم‌سرباز، و نیز استفاده از مصالح بومی همچون چوب، سفال و خشت، به‌عنوان نمودهایی از «حافظه فضایی فرهنگی» شناخته می‌شوند (Rapoport, 1969; Norberg-Schulz, 1980). غفلت از این میراث فرهنگی به معنای از دست رفتن لایه‌های معنایی سکونت، هویت و تعلق مکانی در بافت تاریخی شهرهای شمال ایران است. امروزه، بسیاری از این خانه‌ها یا به‌دلیل بی‌توجهی در حال تخریب هستند یا در فرایند باززنده‌سازی سطحی، دچار ازخودبیگانگی فضایی شده و کاربری آنها به‌صورت نامتناسب تغییر می‌یابد. بنابراین، اهمیت بازخوانی دقیق این ساختارها بیشتر از پیش احساس می‌شود. این بازخوانی باید فراتر از بررسی فرم و تزئینات رفته و به لایه‌های عمیق‌تر منطق فضایی، ساختار اجتماعی و الگوهای رفتاری زیست بومی نفوذ کند. از نگاه اجتماعی، این خانه‌ها حامل الگوهای زیست مشارکتی، هم‌زیستی نسل‌ها و شبکه‌های خویشاوندی و همسایگی هستند که امروزه در زندگی شهری به‌طور فزاینده‌ای کمرنگ شده‌اند. از نظر اقتصادی، احیای هوشمندانه این فضاها می‌تواند زمینه‌ساز توسعه گردشگری پایدار، صنایع خلاق و اقتصاد فرهنگی

در شهرهای شمال کشور باشد؛ مشروط بر آنکه از بازتولید کلیشه‌ای سبک معماری «شبه‌سنتی» اجتناب شود. در نهایت، ضرورت انجام چنین پژوهشی در پیوند عمیقی است که میان معماری، فرهنگ، معنا و سیاست‌گذاری شهری برقرار می‌سازد؛ پیوندی که هم برای مستندسازی علمی و هم برای برنامه‌ریزی حفاظت و بازآفرینی شهری می‌تواند الگویی چندبعدی و کاربردی ارائه دهد.

۴- پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام‌شده درباره معماری خانه‌های تاریخی ایران، به‌ویژه در مناطق شمالی مانند مازندران، در سال‌های اخیر از جنبه‌های مختلفی همچون معماری بومی، سازمان فضایی، اقلیم، هویت و بازآفرینی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بخش قابل‌توجهی از این مطالعات عمدتاً بر جنبه‌های اقلیمی و سازه‌ای معماری سنتی متمرکز بوده‌اند، در حالی که برخی دیگر به بررسی لایه‌های فرهنگی و معنایی فضا و ارتباط آن با شیوه زندگی و ساختار اجتماعی پرداخته‌اند. مطالعات نظری برجسته‌ای مانند آثار آموس راپاپورت (۱۹۶۹) و کریستین نوربرگ-شولز (۱۹۸۰)، بر ارتباط میان فضا، فرهنگ و معنا تأکید داشته و پایه‌های مفهومی بسیاری از تحلیل‌های معماری بومی را شکل داده‌اند. در ایران نیز پژوهشگرانی همچون نقی‌زاده، حبیبی، بحرینی و پاکزاد، توجه ویژه‌ای به طراحی بومی، سازمان فضایی سنتی و چالش‌های بازآفرینی فضاهای تاریخی داشته‌اند. همچنین، در تحقیقات جدیدتر، بازخوانی فضاهای سنتی شمال ایران با رویکردهایی مانند پدیدارشناسی، تحلیل چیدمان فضا و باززنده‌سازی فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است. با این وجود، اکثر پژوهش‌ها رویکردی کلی نسبت به معماری بومی ایران دارند یا صرفاً به یکی از ابعاد فیزیکی، اقلیمی یا تزئینی پرداخته‌اند. مطالعاتی که به صورت تطبیقی، چندبعدی و مبتنی بر تحلیل ساختار فضایی و فرهنگی، نمونه‌های مشخصی از خانه‌های تاریخی مازندران—به‌ویژه در ساری و آمل و روستای کندلوس را بررسی کنند، بسیار اندک هستند. همچنین، پژوهش‌هایی که بین مفاهیمی چون «حافظه مکان»، «سازمان فضایی» و «فرصت‌های بازآفرینی فرهنگی» در چارچوب این معماری پیوند نظری و تحلیلی برقرار کرده باشند، به ندرت یافت می‌شوند.

جدول ۱- پیشینه پژوهش

عنوان پژوهش	نویسنده / سال	حوزه تمرکز	روش‌شناسی	یافته‌های کلیدی	خلاصه / محدودیت‌ها
House Form and Culture	Rapoport, 1969	فضا و فرهنگ	نظری تطبیقی	خانه‌ها محصول الگوهای فرهنگی‌اند نه صرفاً اقلیم؛ فرم تابع فرهنگ است	فاقد نمونه‌های ایرانی؛ تعمیم‌پذیری کم در سطح منطقه‌ای
Genius Loci	Norberg-Schulz, 1980	معنا و مکان	پدیدارشناختی	هر مکان واجد «روح» است؛ معماری باید تجلی‌بخش آن باشد	رویکرد انتزاعی؛ بدون بررسی عینی از خانه‌های تاریخی
سازمان فضایی خانه‌های بومی مازندران	علی‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۵	ساختار فضایی خانه	توصیفی-ترسیمی	الگوی غالب خانه‌ها حول حیاط، ایوان و فضاهای نیمه‌خصوصی است	بدون تحلیل فرهنگی یا مفهومی؛ تمرکز صرف بر فرم
ارزش‌های بازآفرینی در خانه‌های تاریخی ایران	فلاح و نیکوخصال، ۱۳۹۷	بازآفرینی و میراث	تحلیلی-کیفی	باززنده‌سازی موفق نیازمند تلفیق ارزش‌های کالبدی و معنایی است	فاقد بررسی منطقه‌ای در شمال ایران
مسکن سنتی و تداوم فرهنگی در ساری	شریفی، ۱۳۹۹	تداوم فرهنگی	میدانی-مردم‌نگاری	خانه‌های قدیمی نشانگر زیست اجتماعی مشارکتی‌اند؛ در حال زوال	نمونه‌ها محدود و فاقد تحلیل فضایی جامع
تحلیل کالبدی خانه‌های تاریخی آمل	سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۶	کالبد و سازه	ترسیمی-موردپژوهی	تأکید بر سقف‌های چوبی، فضاهای خطی و مصالح بومی	فاقد تحلیل معنا و تجربه فضایی
Vernacular Architecture in Iran	Memarian, 2011	معماری بومی ایران	تحلیلی	انواع مسکن سنتی ایران را با دسته‌بندی اقلیمی تحلیل می‌کند	تمرکز محدود بر شمال کشور و خانه‌های خاص
باززنده‌سازی فضاهای تاریخی شمال ایران	اکبری و همکاران، ۱۴۰۰	حفاظت معماری	موردپژوهی	نشان داد که بازآفرینی بدون فهم زمینه فرهنگی، سطحی است	تحلیل فضایی محدود، بدون پیوند با نظریه‌های معماری
تحلیل پدیدارشناسانه خانه‌های سنتی	حبیبی، ۱۳۹۲	ادراک مکان	پدیدارشناسی	مکان در خانه‌های سنتی ایران پیوندی عمیق با زیست جهان ساکنان دارد	تمرکز بر نواحی مرکزی؛ کاربرد محدود در شمال
Space and Place	Tuan, 1977	انسان و مکان	نظری	تفاوت میان فضا (Space) و مکان (Place) از طریق تجربه انسانی تعریف می‌شود	نظری صرف؛ بدون کاربرد معماری منطقه‌ای

(نگارندگان، ۱۴۰۴)

با وجود تعداد قابل توجهی از پژوهش‌ها در حوزه معماری بومی ایران، به‌روشنی در بررسی ادبیات نظری و تجربی کمبود مطالعاتی احساس می‌شود که خانه‌های تاریخی شمال کشور، به‌ویژه در استان مازندران، را فراتر از مصنوعات کالبدی صرف، به‌عنوان ساختارهایی زنده و معنادار در بستر تاریخ زیست‌شده و فرهنگ محلی مورد توجه قرار داده باشند. در بیشتر تحقیقات، تمرکز اصلی بر جنبه‌های فرمی و کالبدی بناها بوده و ابعاد فرهنگی و مفهومی آن‌ها یا مغفول مانده یا به صورت پراکنده، موردی و بدون چارچوب نظری و تطبیق منطقه‌ای بررسی شده‌اند. اکثر پژوهش‌ها فاقد رویکرد تطبیقی چند نمونه از بناهای تاریخی در زمینه‌ای جغرافیایی-فرهنگی مشترک بوده و معمولاً بر یک نمونه منفرد یا منطقه‌ای کلی از معماری بومی تمرکز داشته‌اند. در مواردی که به ارزش‌های بازآفرینی یا امکان‌سنجی کارکردهای نوین در این خانه‌ها پرداخته شده، تحلیل‌ها عمدتاً سطحی بوده و ارتباط ساختارمندی با مفاهیمی بنیادین مانند «حافظه مکان»، «زیست‌جهان ساکنان» یا «سازمان فضایی-اجتماعی» برقرار نکرده‌اند. همچنین، پیوند میان تحلیل فضایی، معناشناسی معماری و ظرفیت‌های احیای فرهنگی فضا هنوز جایگاه مستحکمی در ادبیات پژوهشی این حوزه نیافته است. در چنین بستری، این مقاله قصد دارد با انجام بررسی تطبیقی و چندلایه‌ای خانه‌های تاریخی شاخص در ساری و آمل و روستای کندلوس، مانند خانه منوچهری‌ها، خانه رمدانی‌ها، خانه مینا و پلنگ، و همچنین مقبره میر بزرگ، خلأ مطالعات منطقه‌ای را جبران کند. این تحلیل با تمرکز همزمان بر ساختار فضایی، معنا و حافظه مکان و زمینه‌های باززنده‌سازی فرهنگی، تلاشی است برای ارائه روایتی جامع از معماری سنتی مازندران که بتواند در راستای حفاظت فعال، توسعه پایدار و طراحی زمینه‌گرا به کار گرفته شود.

۵- چارچوب نظری پژوهش

تحلیل خانه‌های تاریخی در بستر فرهنگی و جغرافیایی مازندران نیازمند چارچوب نظری است که بتواند به‌طور همزمان و درهم‌تنیده، لایه‌های کالبدی، فضایی و معنایی این فضاها را فهم و تبیین کند. بر این اساس، چارچوب نظری پژوهش حاضر بر تلفیق سه مفهوم کلیدی در حوزه‌های معماری و انسان‌شناسی فضایی بنا شده است: «حافظه مکان» (Rapoport, 1969)، «فضای زیسته» (Norberg-Schulz, 1980) و «سازمان فضایی» در معماری بومی. این مفاهیم به پژوهش کمک می‌کنند تا رابطه پیچیده میان ساختار فیزیکی بنا، تجربه زیست‌مندی ساکنان و نظام‌های اجتماعی و فرهنگی مرتبط با آن را تحلیل کند.

۵-۱- حافظه مکان^۱

حافظه مکان مفهومی است که به پیوند میان تجربه‌های زیسته فردی و جمعی با فضاها کالبدی خاص اشاره دارد. مطابق دیدگاه نوربرگ-شولز (۱۹۸۰)، مکان واجد «روح» است که از طریق تعامل با ساکنان و وقایع تاریخی، بار معنا می‌گیرد. از این منظر، خانه‌های تاریخی مازندران نه تنها واجد ارزش‌های معماری‌اند، بلکه حامل لایه‌هایی از خاطره جمعی، مناسبات اجتماعی و روایت‌های فرهنگی‌اند که در کالبد بنا رسوب کرده‌اند. این حافظه مکان، به گفته پی‌یر نورا (۱۹۸۹)، در تقابل با فراموشی تاریخی، امکان باززنده‌سازی فرهنگی را فراهم می‌آورد.

۵-۲- فضای زیسته^۲

مفهوم «فضای زیسته» برگرفته از نظریات لُبور (۱۹۹۱) و مِرو-پوتی (۱۹۶۲)، بر تجربه بدنی، حسی و فرهنگی انسان از فضا تأکید دارد. در این نگاه، فضا صرفاً یک ظرف فیزیکی نیست، بلکه محصول کنش متقابل انسان و محیط است. خانه‌های تاریخی شمال ایران، واجد کیفیت‌های خاصی چون فضای میانجی (ایوان، هشتی، حیاط میانی)، انعطاف‌پذیری، و رمزگان فضایی‌اند که با شیوه زیست، اقلیم، و فرهنگ محلی درهم تنیده شده‌اند. درک این فضاها نیازمند تحلیل آن‌ها در پرتو تجربه زیسته و کارکرد اجتماعی آن‌هاست.

۵-۳- سازمان فضایی در معماری بومی

تحلیل سازمان فضایی خانه‌های سنتی، به‌ویژه در قالب نظریه‌هایی همچون *Space Syntax* (هیلیر و هانسون، ۱۹۸۴)، امکان خوانش روابط فضایی درونی، سلسله‌مراتب فضایی، و نحوه شکل‌گیری الگوهای هم‌جواری را فراهم می‌کند. در معماری بومی مازندران، الگوهایی همچون ارتباط نرم بین فضاهای عمومی و خصوصی، سلسله‌مراتب ورودی تا فضای خلوت، و چرخش حرکتی در محورهای غیرمستقیم دیده می‌شود که می‌تواند بیانگر ساختارهای فرهنگی پنهان باشند.

۵-۴- تداوم فرهنگی و معماری زمینه‌گرا

پایداری فرهنگی معماری زمانی حاصل می‌شود که فضا بتواند تداوم حافظه، معنا و استفاده اجتماعی را در طول زمان حفظ کند. رویکرد معماری زمینه‌گرا که توسط کِنت فرمیتون (۱۹۸۳) مطرح شد، به نوعی بازخوانی انتقادی از معماری بومی در مواجهه با

1 Place Memory

2 Lived Space

جریان‌های جهانی‌سازی و فراموشی زمینه محلی است. بر این اساس، تحلیل خانه‌های تاریخی نباید به نوستالژی صرف منجر شود، بلکه باید ظرفیت‌های آن‌ها برای بازآفرینی معاصر با حفظ ریشه‌های فرهنگی درک شود. چارچوب نظری این پژوهش، با تلفیق مفاهیم «حافظه مکان»، «فضای زیسته»، «سازمان فضایی بومی» و «معماری زمینه‌گرا»، بستری نظری برای تحلیل عمیق خانه‌های تاریخی مازندران فراهم می‌آورد. این رویکرد، فراتر از تحلیل فرمی یا زیبایی‌شناختی صرف، امکان درک لایه‌های پنهان فرهنگی و اجتماعی را فراهم می‌کند و زمینه را برای تعریف راهبردهای باززنده‌سازی فرهنگی، مشارکت‌پذیر و بومی‌گرا در آینده مهیا می‌سازد.

۶- اهداف پژوهش

هدف کلی این پژوهش، تحلیل تطبیقی و چندبعدی خانه‌های تاریخی شاخص استان مازندران با تمرکز بر ساختار فضایی، معنای فرهنگی و ظرفیت‌های باززنده‌سازی فرهنگی آنها است تا بتواند چارچوبی نظری-کاربردی برای حفاظت و بهره‌برداری پایدار از این میراث معماری ارائه دهد.

اهداف جزئی عبارت‌اند از:

- شناسایی و تحلیل سازمان فضایی و کالبدی خانه‌های منتخب (خانه منوچهری‌ها، رمدانی‌ها، مینا و پلنگ، مقبره میر بزرگ) در بستر اقلیمی و فرهنگی مازندران؛
- کشف لایه‌های معنایی، حافظه مکان و تجربه زیسته مرتبط با این بناها؛
- بررسی امکان‌ها و چالش‌های باززنده‌سازی فرهنگی و کاربردهای معاصر این فضاها؛
- ارائه پیشنهادهایی برای ارتقای حفاظت فعال و طراحی زمینه‌گرا در معماری تاریخی شمال ایران.

۷- سوالات پژوهش

۱. سازمان فضایی و کالبدی خانه‌های تاریخی منتخب مازندران چگونه شکل گرفته و چه ویژگی‌هایی دارند؟
۲. چه لایه‌های معنایی و حافظه مکانی در این خانه‌ها قابل شناسایی است؟
۳. تعامل بین ساختار فضایی و فرهنگ زیست‌مندی ساکنان چگونه بر شکل‌گیری این فضاها تأثیر گذاشته است؟
۴. ظرفیت‌های موجود برای باززنده‌سازی فرهنگی و طراحی معاصر در این بناها چیست؟

۸- روش تحقیق

این پژوهش از نوع تحلیل کیفی-موردی (Case Study) است که به صورت تطبیقی و چندبعدی به بررسی چهار بنای تاریخی شاخص در استان مازندران (خانه منوچهری‌ها، خانه رمدانی‌ها، خانه مینا و پلنگ، و مقبره میر بزرگ) می‌پردازد. روش گردآوری داده‌ها: مطالعات کتابخانه‌ای و آرشیوی؛ گردآوری اطلاعات تاریخی، اسناد و نقشه‌های معماری مرتبط با بناها؛ مشاهده میدانی و مستندسازی؛ بازدیدهای حضوری جهت مستندسازی کالبدی، فضایی و نشانه‌های فرهنگی؛ مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته؛ با ساکنان محلی، کارشناسان مرمت و فعالان فرهنگی برای درک لایه‌های معنایی و تجربه زیسته؛ عکاسی و نقشه‌برداری؛ ثبت فضاها و جزئیات کالبدی با تأکید بر ساختار فضایی؛

۹- تحلیل خانه منوچهری‌ها

معرفی بنا و پیشینه تاریخی: خانه منوچهری‌ها یکی از نمونه‌های برجسته معماری مسکونی تاریخی شهر آمل است که به دوره قاجار تعلق دارد. این بنا با توجه به موقعیت جغرافیایی و فرهنگی خود، نمایانگر تلفیق معماری بومی مازندران با تأثیرات سبک قاجاری است. استفاده از عناصر سنتی همچون ایوان‌های وسیع، حیاط، و مصالح بومی مانند چوب و خشت، نشان‌دهنده هماهنگی بنا با اقلیم مرطوب و فرهنگ منطقه می‌باشد (شریفی، ۱۳۹۸).

تحلیل ساختار فضایی و کالبدی: ساختار فضایی خانه منوچهری‌ها حول حیاط شکل گرفته است که به عنوان فضای اصلی، پیوند میان فضاهای عمومی و خصوصی را برقرار می‌کند. ایوان‌های گسترده این خانه ارتباط و تعامل ساکنان با محیط طبیعی و اجتماعی پیرامون را فراهم می‌آورد. همچنین، تقسیم‌بندی دقیق فضاها به بخش‌های پذیرایی، نشیمن و حوزه‌های خصوصی، بازتابی از سلسله‌مراتب اجتماعی و فرهنگی خانواده‌های سنتی مازندران است. مصالح چوبی به کار رفته در ستون‌ها و سقف‌ها علاوه بر کارکرد سازه‌ای، نقشی نمادین و زیبایی‌شناسانه نیز دارند.

لایه‌های معنایی و حافظه مکان: حافظه مکان در خانه منوچهری‌ها از طریق خاطرات ساکنان، مناسبات اجتماعی و روایت‌های فرهنگی به نسل‌های بعد منتقل شده است. این بنا به عنوان محلی برای تجمع خانواده‌های گسترده و برگزاری آیین‌ها و مناسبات سنتی، نقش مهمی در حفظ هویت محلی ایفا کرده است. حیاط مرکزی به عنوان نماد مرکزیت اجتماعی و کانون زیستی در فرهنگ مازندرانی شناخته می‌شود. همان‌طور که شریفی (۱۳۹۹) بیان کرده، این خانه بازتاب ارتباط عمیق انسان، فرهنگ و طبیعت در منطقه است.

ظرفیت‌ها و چالش‌های باززنده‌سازی فرهنگی: ساختار فضایی منعطف و عمق فرهنگی موجود در خانه منوچهری‌ها، آن را به فضایی مستعد برای باززنده‌سازی فعال تبدیل کرده است. با این حال، فرسودگی مصالح، کمبود حمایت‌های مالی و ضعف در انتقال ارزش‌های فرهنگی به نسل جوان از مهم‌ترین چالش‌های حفظ این میراث به شمار می‌روند. بازطراحی‌هایی که به حفظ سازمان فضایی اصلی بنا و احترام به معنا و کاربردهای سنتی آن توجه کنند، می‌توانند راهکار مؤثری برای حفاظت و تقویت ارزش‌های فرهنگی خانه باشند.



شکل ۱- خانه منوچهری‌ها (نگارنده، ۱۴۰۴)

جدول ۲- تحلیل معماری خانه منوچهری‌ها - آمل

مؤلفه تحلیلی	توضیحات مربوط به خانه منوچهری‌ها
موقعیت مکانی و بافت شهری	واقع در بافت تاریخی شهر آمل، در میان بافت متراکم شهری سنتی؛ دسترسی از طریق کوچه‌های باریک با ساختار ارگانیک.
سازمان فضایی	ساختار درون‌گرا با حیاط؛ فضاها حول حیاط سازمان‌دهی شده‌اند؛ محورهای حرکتی نرم و قابل کنترل؛ سلسله‌مراتب فضایی مشخص.
هندسه فضایی و ریتم	استفاده از الگوی مستطیلی در پلان؛ تقارن دو طرفه حول حیاط مرکزی؛ تکرار ریتمیک عناصر چون ستون‌ها، ایوان‌ها و قاب پنجره‌ها.
تقارن و تعادل	تقارن محورمند در جانمایی فضاها؛ تعادل بصری در عناصر عمودی (ستون‌ها) و افقی (تراز ایوان‌ها و سقف‌ها).
تناسبات معماری	ابعاد حیاط و اتاق‌ها بر اساس تناسبات اقلیمی (عرض زیاد برای تهویه بهتر) و فرهنگی طراحی شده‌اند؛ تأکید بر ارتفاع ایوان.
مصالح و بافت	استفاده از چوب در تیرریزی سقف و ستون‌های ایوان، آجر و خشت در دیوارها؛ رنگ‌های گرم و بافت‌های نرم برای هماهنگی با اقلیم مرطوب.
نحوه ورود نور و تهویه	نورگیری از طریق پنجره‌های چوبی به سمت حیاط؛ تهویه طبیعی به کمک ایوان‌ها و درهای چوبی مشبک؛ گردش هوای مناسب در تابستان.
تعامل درون و بیرون	فضای حیاط به عنوان واسطه میان فضای داخلی و فضای بیرونی؛ ایوان‌ها نقش واسط بصری و عملکردی دارند؛ حریم‌گذاری متناسب.
لایه‌های معنایی و فرهنگی	حیاط به عنوان مرکز تعاملات اجتماعی و آیینی؛ فضاهایی چون اتاق شاه‌نشین، ایوان بزرگ و طارمی نشان‌دهنده روابط خانوادگی و اجتماعی.
چالش‌های باززنده‌سازی	آسیب‌پذیری چوب‌ها در برابر رطوبت، نیاز به مرمت سازه‌ای؛ چالش در تأمین بودجه و آموزش ارزش‌های بنا به نسل جوان؛ نیازمند مشارکت نهادی.

نگارندگان، ۱۴۰۴

۱۰- تحلیل خانه رمدانی‌ها

معرفی بنا و پیشینه تاریخی: خانه رمدانی‌ها در یکی از محلات قدیمی ساری واقع شده و نمونه‌ای ارزشمند از معماری مسکونی بومی مازندران است. این خانه متعلق به اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی است و بازتاب‌دهنده تحولاتی است که در ساختارهای اجتماعی و کالبدی منطقه رخ داده است. معماری بنا تلفیقی از مصالح سنتی مانند چوب و خشت و تأثیراتی از معماری شهری ایران است که نشان‌دهنده فرایند تطبیق با تغییرات فرهنگی و اقتصادی است (کاظمی، ۱۴۰۰).

تحلیل ساختار فضایی و کالبدی: ساختار فضایی خانه رمدانی‌ها بر اساس سلسله‌مراتب فضایی واضح بین فضاهای عمومی، نیمه‌خصوصی و خصوصی شکل گرفته است. وجود ایوان‌های سرپوشیده و حیاط مر، امکان تعامل میان اعضای خانواده و پذیرایی از میهمانان را فراهم می‌کند. نوع چینش اتاق‌ها و محورهای حرکتی نشان‌دهنده تأکید بر حفظ حریم خصوصی و در عین حال برقراری ارتباط با محیط بیرونی است. استفاده از مصالح بومی علاوه بر تناسب اقلیمی، جلوه‌ای طبیعی و گرم به فضا داده است.

لایه‌های معنایی و حافظه مکان: خانه رمدانی‌ها حامل خاطرات اجتماعی و فرهنگی نسل‌های متعدد ساکنان است که با مراسم و آداب خاص محلی عجین شده است. فضاهای عمومی همچون ایوان و حیاط، به عنوان بستر تعاملات اجتماعی و انتقال فرهنگ شفاهی، اهمیت ویژه‌ای دارند. حافظه مکان در این بنا به مثابه نقشه‌ای از روابط انسانی و فرهنگی عمل می‌کند که استمرار هویت محلی را تضمین می‌کند.

ظرفیت‌ها و چالش‌های باززنده‌سازی فرهنگی: این خانه به دلیل حفظ ساختار سنتی فضایی و استفاده از مصالح بومی، قابلیت احیای فرهنگی بالایی دارد، اما مواجهه با آسیب‌های زیربنایی و نیاز به مرمت اساسی از چالش‌های عمده آن است. علاوه بر این، فقدان برنامه‌های آموزشی و فرهنگی منسجم برای انتقال ارزش‌های این فضا به نسل جدید، از دیگر موانع اصلی است. راهکارهای باززنده‌سازی باید ضمن حفظ اصالت بنا، انعطاف لازم برای کاربری‌های جدید را فراهم کند.



شکل ۲- خانه رمدانی‌ها (نگارنگان، ۱۴۰۴)

جدول ۳- تحلیل معمارانه خانه رمدانی‌ها (ساری)

مؤلفه تحلیلی	توضیحات مربوط به خانه رمدانی‌ها
موقعیت مکانی و سایت	در بافت قدیمی ساری، قرارگیری درون‌گرا با دیوارهای بلند پیرامونی؛ فاصله از خیابان اصلی برای حفظ حریم و آرامش.
سازمان فضایی	سازمان یافته پیرامون حیاط؛ تفکیک فضایی دقیق بین فضاهای عمومی، نیمه‌خصوصی و خصوصی؛ چینش خطی اتاق‌ها در دو یا سه جبهه حیاط.
هندسه فضایی	مبتنی بر فرم‌های مستطیلی و مربعی؛ نظم در تناسبات پلان؛ رعایت نسبت‌های طلایی در تقسیم فضاها و بازشوها.
تقارن و تعادل	تقارن نسبی در محورهای اصلی حیاط و ایوان؛ تعادل عملکردی و بصری با استفاده از تکرار ایوان‌ها و طاق‌ها؛ عدم تقارن مکانیکی به دلیل محدودیت‌های سایت.
ریتم و تکرار در فرم	تکرار منظم قوس‌ها، پنجره‌های مشبک، ستون‌های چوبی در ایوان‌ها؛ ایجاد حس حرکت و یکنواختی بصری در نمای داخلی و بیرونی.
تناسبات معماری	نسبت متناسب ارتفاع به عرض اتاق‌ها و ایوان‌ها؛ هماهنگی میان ارتفاع کف تا سقف و ابعاد بازشوها با اقلیم و عملکرد.

چوب (برای ستون‌ها و سقف)، خشت، آجر، اندود کاه‌گل؛ بافت گرم و ارگانیک که با اقلیم مرطوب و سرد شمال هماهنگ است.	مصالح و بافت
نورگیری از طریق حیاط مرکزی و پنجره‌های جنوبی؛ تهویه طبیعی از طریق درهای روبه‌رو و ایوان‌های باز؛ طراحی تطبیقی با جریان هوا.	نحوه ورود نور و تهویه
ایوان‌ها به‌عنوان واسطی سیال بین داخل و حیاط؛ دید بصری مناسب به فضای باز و تقویت حس مشارکت جمعی خانوادگی.	تامل درون و بیرون
فضاهای خاص برای آیین‌های محلی، نشستن جمعی در ایوان‌ها، خاطرات چند نسل؛ انتقال فرهنگ بومی در قالب کالبد معماری.	حافظه مکان و لایه‌های معنایی
نیاز به مرمت جدی در سازه چوبی و پوشش سقف؛ ظرفیت بالا برای باززنده‌سازی فرهنگی در قالب خانه-موزه یا اقامتگاه سنتی.	چالش‌ها و ظرفیت‌های احیا

نگارندگان، ۱۴۰۴

۱۱- تحلیل خانه مینا و پلنگ

معرفی بنا و پیشینه تاریخی: خانه مینا و پلنگ، یکی از نمونه‌های برجسته معماری مسکونی مازندران است که در دوره قاجار ساخته شده و به دلیل ویژگی‌های هنری و تزئینی خاص خود شناخته می‌شود. این خانه با بهره‌گیری از نقش‌ونگارهای سنتی و به‌کارگیری دقیق مصالح بومی، نمونه‌ای شاخص از هنر و معماری بومی منطقه به شمار می‌آید. ساختار بنا ضمن حفظ اصول معماری محلی، بازتاب‌دهنده تحولات اجتماعی و اقتصادی منطقه نیز هست (هاشمی، ۱۳۹۷).

تحلیل ساختار فضایی و کالبدی: ساختار فضایی خانه مینا و پلنگ حول محور حیاط مرکزی و فضاهای پیرامونی آن شکل گرفته است. وجود ایوان‌های وسیع و چوب‌های مثبت‌کاری‌شده، علاوه بر افزودن به زیبایی بصری بنا، ارتباط میان فضای داخلی و خارجی را نیز تسهیل می‌کند. سلسله‌مراتب فضایی با تفکیک واضح فضاهای عمومی و خصوصی رعایت شده و محورهای حرکتی نرم و غیرمستقیم، کیفیت زیستی فضا را بهبود بخشیده‌اند.

لایه‌های معنایی و حافظه مکان: حافظه مکان در خانه مینا و پلنگ از طریق نقش‌ونگارهای هنری و داستان‌های محلی که در تزئینات بنا بازتاب یافته‌اند، شکل گرفته است. این عناصر نمادهای هویت فرهنگی منطقه را نمایان کرده و پیوند میان نسل‌ها را حفظ می‌کنند. فضاهای عمومی و نیمه‌خصوصی خانه محل برگزاری مناسک و گردهمایی‌های خانوادگی بوده و خاطرات مشترک ساکنان را در خود جای داده است (رضایی، ۱۳۹۹).

ظرفیت‌ها و چالش‌های باززنده‌سازی فرهنگی: با توجه به ارزش‌های هنری و ساختاری، خانه مینا و پلنگ ظرفیت قابل توجهی برای باززنده‌سازی فرهنگی و توسعه گردشگری فرهنگی دارد. با این حال، مرمت تخصصی و توجه دقیق به حفظ عناصر تزئینی و سازه‌ای، همراه با مدیریت مشارکتی میان ساکنان و مسئولان محلی، از ضروریات حفظ بنا به شمار می‌آید. استفاده از این خانه به‌عنوان فضای فرهنگی، آموزشی یا اقامتی می‌تواند راهکاری مؤثر برای حفاظت و بهره‌برداری پایدار آن باشد. این خانه در روستای کندلوس نوشهر واقع شده است.



شکل ۳- خانه مینا و پلنگ (نگارندگان، ۱۴۰۴)

جدول ۴- تحلیل معمارانه خانه مینا و پلنگ (روستای کندلوس - نوشهر)

مؤلفه تحلیلی	توضیحات مربوط به خانه مینا و پلنگ
موقعیت مکانی و سایت	قرارگیری در بافت روستایی کندلوس؛ دارای دید به طبیعت اطراف و تعامل مستقیم با بافت طبیعی و فرهنگی منطقه.
سازمان فضایی	سازمان یافته پیرامون حیاط مرکزی؛ چیدمان فضاها به صورت U شکل؛ استفاده از ایوان‌های عریض برای پیوند درون و بیرون.
هندسه فضایی	مبتنی بر فرم‌های مستطیلی؛ تقسیم‌بندی فضاها با هندسه ساده اما کارکردی؛ هماهنگ با توپوگرافی و اقلیم منطقه‌ای.
تقارن و تعادل	عدم تقارن مطلق؛ بیشتر تعادل ترکیبی با تأکید بر کارکرد فضاها و محدودیت‌های بستر طبیعی؛ تقارن بصری در

	برخی نماها.
ریتم و تکرار در فرم	حضور ریتم در پنجره‌های چوبی مشبک، ردیف ستون‌های ایوان، نقوش تزئینی در بدنه‌ها؛ تکرار منسجم در جزئیات تزئینی.
تناسبات معماری	نسبت‌های معتدل و انسانی در ابعاد فضاها؛ هماهنگی میان ارتفاع، عمق و عرض فضاها متناسب با نیازهای اقلیمی و فرهنگی.
مصالح و بافت	چوب، خشت، سنگ و ملات بومی؛ مثبت‌کاری‌های ظریف در چوب، رنگ‌های طبیعی و گرم؛ مصالح هماهنگ با بافت طبیعی کندلوس.
نحوه ورود نور و تهویه	نورگیری از سه جبهه به دلیل ایوان‌های باز؛ تهویه طبیعی از طریق بازشوهای بزرگ، ایوان‌ها و طراحی باز در طبقات.
تعامل درون و بیرون	ایوان‌های چوبی نقش واسطه میان فضای باز و بسته را ایفا می‌کنند؛ حضور دائم طبیعت در ادراک فضایی ساکنان.
حافظه مکان و لایه‌های معنایی	تزئینات چوبی با نقوش اسطوره‌ای و بومی، فضاهای جمعی برای آیین‌های خانوادگی؛ پیوند روایت‌های محلی با کالبد معماری.
چالش‌ها و ظرفیت‌های احیا	ظرفیت بالا برای گردشگری فرهنگی؛ نیاز به مرمت تخصصی در تزئینات و سازه چوبی؛ امکان تبدیل به خانه‌فرهنگ یا اقامتگاه بومی.

نگارندگان، ۱۴۰۴

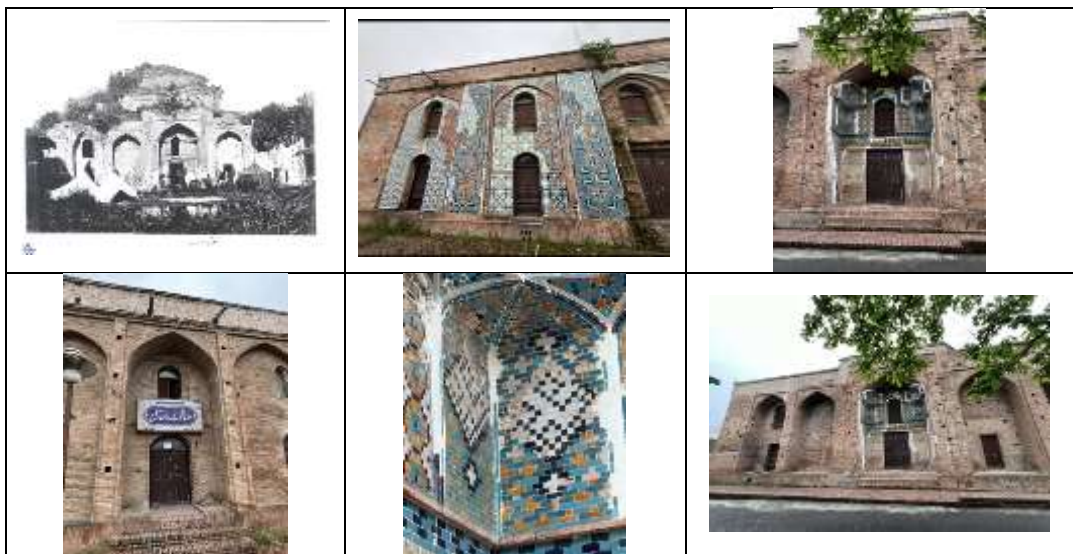
۱۱- تحلیل مقبره میر بزرگ

معرفی بنا و پیشینه تاریخی: مقبره میر بزرگ یکی از بناهای تاریخی و مذهبی مهم مازندران شهر آمل است که به قرن‌های میانه اسلامی تعلق دارد. این بنا علاوه بر کارکرد دینی، نقش کلیدی در هویت فرهنگی و اجتماعی منطقه ایفا می‌کند. معماری بنا با ویژگی‌های اصیل اسلامی-ایرانی، همچون طاق‌ها و گنبد‌های آجری، بیانگر هنری متعالی و ساختار فضایی متمرکز است (رحیمی، ۱۳۹۵).

تحلیل ساختار فضایی و کالبدی: مقبره میر بزرگ با ساختار مکعبی و گنبدی خود، فضای مقدس و معنوی را به خوبی القا می‌کند. سازمان فضایی آن به گونه‌ای طراحی شده که حرکت بازدیدکننده به سمت کانون مرکزی بنا، یعنی ضریح، هدایت شود. استفاده از آجرکاری‌های زیبا و تزئینات هندسی، جلوه‌ای خاص به بنا داده است و ارتباط معنوی میان بنا و مخاطب را تقویت می‌کند.

لایه‌های معنایی و حافظه مکان: این مقبره به عنوان نمادی از هویت مذهبی و تاریخی منطقه، محل تجمع مردم برای مناسبت‌های دینی و فرهنگی است. حافظه مکان در آن به واسطه آیین‌ها، زیارت‌ها و روایات مرتبط، به طور مستمر زنده نگه داشته شده است. این بنا فراتر از یک سازه معماری، بخشی از خاطره جمعی و حافظه فرهنگی مازندران محسوب می‌شود.

ظرفیت‌ها و چالش‌های باززنده‌سازی فرهنگی: حفظ و باززنده‌سازی مقبره میر بزرگ نیازمند توجه به ابعاد معنوی و کالبدی آن است. چالش‌هایی همچون فرسایش مصالح، افزایش جمعیت زائران و تغییرات کاربری‌های پیرامونی از جمله مواردی هستند که باید مدیریت شوند. ایجاد زیرساخت‌های مناسب و آموزش فرهنگی برای حفظ احترام به این مکان می‌تواند به بقای آن کمک کند.



شکل ۴- مقبره میر بزرگ (نگارندگان، ۱۴۰۴)

جدول ۵- تحلیل معماری مقبره میر بزرگ (آمل)

موقعیت مکانی و سایت	توضیحات مربوط به مقبره میر بزرگ
واقع در بافت تاریخی شهر آمل؛ هم‌جوار با مسیرهای زیارتی و فرهنگی؛ مرکز معنوی محله با دسترسی اجتماعی بالا.	
سازمان فضایی	پلان مرکزی با تمرکز بر حرم و ضریح؛ جهت‌گیری فضایی برای هدایت حرکت زائران به سمت مرکز؛ فضاهای جانبی ساده و تابع مرکز.
هندسه فضایی	فرم اصلی مکعبی و گنبد بالای آن؛ بهره‌گیری از هندسه خالص و متقارن؛ نمایانگر قداست و مرکزیت معنوی.
تقارن و تعادل	تقارن کامل در پلان و نما؛ تأکید بر محوریت فضایی؛ تعادل در حجم‌ها و نسبت‌ها برای القای آرامش و ثبات معنوی.
ریتم و تکرار در فرم	تکرار موزون طاق‌ها، قاب‌بندی‌های آجری و نقوش هندسی در نما؛ ایجاد حس ریتم در حرکت و ادراک زائر.
تناسبات معماری	استفاده از تناسبات طلایی در ابعاد طاق‌ها و ارتفاع گنبد؛ هماهنگی میان اجزای عمودی و افقی برای تقویت احساس روحانی.
مصالح و بافت	آجر سنتی، ملات گلی، و کاشی‌کاری محدود؛ بافت ساده و بومی با تمرکز بر آجرکاری تزئینی؛ مقاومت بالا در برابر رطوبت منطقه.
نحوه ورود نور و تهویه	نورگیری محدود از پنجره‌های کوچک و بالای گنبد؛ ایجاد نور ملایم برای القای فضای عرفانی؛ تهویه طبیعی از راه بازشوهای گنبدی.
تعامل درون و بیرون	فضای بیرونی آرام و خلوت برای ورود تدریجی؛ تبدیل فضا به تجربه‌ی تدریجی و روحانی از بیرون به درون.
حافظه مکان و لایه‌های معنایی	مرکز هویت مذهبی شهر؛ حضور خاطرات جمعی از آیین‌ها، نذورات، زیارت‌ها؛ بنای زنده در حافظه فرهنگی منطقه.
چالش‌ها و ظرفیت‌های احیا	آسیب‌پذیری مصالح در برابر رطوبت، نیاز به مرمت دقیق تزئینات آجری؛ ظرفیت بالا برای توسعه گردشگری مذهبی با حفظ شأن مکان.

نگارندگان، ۱۴۰۴

جدول ۶- تحلیل تطبیقی نمونه‌ها

نام بنا	سبک معماری	دوره تاریخی	تزیینات و ویژگی‌های شاخص	تحلیل تطبیقی و نکات مهم
خانه منوچهری‌ها	معماری بومی مازندران با تأثیرات قاجار	قاجار	ایوان‌های گسترده، چوب‌کاری، استفاده از خشت و چوب	تأکید بر سلسله‌مراتب فضایی، حیاط مرکزی بزرگ، پیوند قوی با اقلیم مرطوب و فرهنگ بومی
خانه رمدانی‌ها	معماری بومی - شهری تلفیقی	اواخر قاجار - اوایل پهلوی	ایوان‌های سرپوشیده، مصالح بومی، چیدمان سلسله‌مراتبی فضاها	توجه به حفظ حریم خصوصی، تطبیق با تغییرات اجتماعی، مصالح بومی با رویکردی نوین
خانه مینا و پلنگ	معماری بومی تزئینی	قاجار	منبت‌کاری چوب، نقش‌ونگارهای سنتی، ایوان‌های وسیع	ترکیب هنری کالبد و تزئینات، سلسله‌مراتب فضایی نرم، ارتباط متقابل فضای داخلی و خارجی
مقبره میر بزرگ	معماری اسلامی - ایرانی	قرون میانه اسلامی	آجرکاری هندسی، گنبد و طاق‌های آجری، تزئینات هندسی	فضای مقدس متمرکز، طراحی هدایت‌کننده حرکت بازدیدکننده، تأکید بر نمادگرایی مذهبی و فرهنگی

نگارندگان، ۱۴۰۴

۱۲- تحلیل تطبیقی

تفاوت‌های سبکی و ساختاری: خانه‌های منوچهری‌ها، رمدانی‌ها و مینا و پلنگ هر سه نمونه‌ای از معماری مسکونی بومی مازندران هستند که با تفاوت‌هایی در رویکرد به تطبیق با شرایط اقلیمی، فرهنگی و تغییرات اجتماعی ساخته شده‌اند. در مقابل، مقبره میر بزرگ بنایی مذهبی است که دارای ساختار مکعبی-گنبدی و نمادگرایی مذهبی خاص است.

کاربرد مصالح و تزئینات: هر سه خانه مسکونی استفاده گسترده‌ای از مصالح بومی مانند چوب و خشت دارند که علاوه بر کارکرد سازه‌ای، نقش نمادین و زیبایی‌شناسانه نیز ایفا می‌کنند. تزئینات خانه مینا و پلنگ به طور مشخص هنری‌تر و متمرکز بر نقش‌ونگارهای سنتی است، در حالی که مقبره میر بزرگ از آجرکاری هندسی بهره می‌برد که متعلق به سنت‌های معماری اسلامی است.

فضاهای مرکزی و سلسله‌مراتبی: خانه‌ها حول محور حیاط طراحی شده‌اند که نقش کانونی در تعاملات اجتماعی و خانوادگی دارد، اما مقبره میر بزرگ ساختاری متمرکز و محورگرا دارد که هدفش هدایت معنوی بازدیدکنندگان است.

معنا و حافظه مکان: تمامی بناها حامل لایه‌های عمیق فرهنگی و حافظه مکان هستند، ولی کارکرد و نوع این معنا در بناهای مسکونی با بنای مذهبی متفاوت است. بناهای مسکونی بیشتر بر حفظ هویت اجتماعی-خانوادگی تمرکز دارند، در حالی که مقبره میر بزرگ جایگاه هویت مذهبی و فرهنگی جمعی است.

چالش‌های بازنده‌سازی بنای مذهبی با مشکلاتی همچون مدیریت زائران و حفظ فضای مقدس مواجه است، در حالی که خانه‌های مسکونی نیازمند مرمت مصالح بومی، حفظ ساختار فضایی و انتقال ارزش‌های فرهنگی به نسل جوان هستند. در ادامه، جدولی تکمیلی برای مقایسه چهار بنای تاریخی با تمرکز بر ویژگی‌های هندسی و تناسبات طراحی ارائه می‌شود:

جدول ۷- مقایسه‌ای ویژگی‌های هندسی و نظم فضایی

مقبره میر بزرگ	خانه مینا و پلنگ	خانه رمدانی‌ها	خانه منوچهری‌ها	ویژگی‌ها
مربع و دایره توأمان	هندسه آزاد با تقارن نسبی	ترکیب مستطیل و L شکل	مستطیلی با محور طولی	هندسه کلی
بسته و متمرکز	باز و تزئینی	نیم‌باز، فرم درون‌گرا	باز با حیاط مرکزی	فرم کلی
تقارن مرکزی کامل	تقارن جزئی در اجزا	تقارن محوری محدود	تقارن دوطرفه عرضی	نظم هندسی تقارن
پلان شعاعی - مرکزی	پراکنندگی کنترل شده	فضاها حول محور ایوان	حیاط مرکزی منظم	نظم هندسی پلان
نسبت طلایی در گنبد و بدنه	قابل مشاهده در تزئینات چوب	رعایت نسبی در تقسیم فضاها	نسبت طلایی در نمای ورودی	تناسبات طلایی

نگارندگان، ۱۴۰۴

خانه منوچهری‌ها از نظم هندسی مشخص و محور طولی با رعایت تناسبات معماری قاجار بهره می‌برد.

خانه رمدانی‌ها از ترکیب فرم‌های شهری و بومی، با ساختاری نیم‌منظم استفاده می‌کند.

خانه مینا و پلنگ بیشتر بر زیبایی‌شناسی تزئینی تمرکز دارد تا تقارن هندسی کامل.

مقبره میر بزرگ به عنوان بنای مذهبی، از نظم هندسی شعاعی و تقارن مرکزی بهره‌مند است که تناسبات طلایی در آن آشکارا مشاهده می‌شود.

جدول ۸- تحلیل ساختار فضایی نمونه‌ها

نوع بنا	خانه منوچهری‌ها (آمل)	خانه رمدانی‌ها (ساری)	خانه مینا و پلنگ (کندلوس نوشهر)	مقبره میر بزرگ (آمل)
ساختار فضایی	-حیاط بزرگ و مشخص به عنوان هسته بنا- ایوان‌های گسترده اطراف حیاط- تفکیک فضاها عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی به وضوح قابل مشاهده- مسیرهای نرم دسترسی بین اتاق‌ها و ایوان‌ها	-حیاط با ایوان‌های چهار طرفه- فضاها عمومی نزدیک به ورودی بنا- اتاق‌های خصوصی در بخش‌های داخلی تر- جریان آرام حرکت بین فضاها	-حیاط با ایوان‌های نیمه‌باز- فضاها عمومی و خصوصی در همسایگی ایوان‌ها تفکیک شده‌اند- مسیرهای دسترسی طراحی شده برای سهولت حرکت	-حیاط کوچک‌تر و معنوی- فضای ایوانی محدود به بخش‌های خاص- تفکیک فضای خصوصی و عمومی بیشتر با توجه به ماهیت مقبره- دسترسی‌های کنترل شده و مشخص
سلسله‌مراتب فضایی	-جداسازی واضح فضاها به سه دسته عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی- فضای عمومی نزدیک به ورودی- بخش‌های خصوصی در عمیق‌ترین نقاط بنا قرار دارند	-سلسله‌مراتب فضایی دقیق با جداکننده‌های معماری- دسترسی محدود به بخش‌های خصوصی- ایوان به عنوان فضای واسط بین عمومی و خصوصی	-سلسله‌مراتب فضایی با تاکید بر جداسازی آرام فضاها- ایوان‌ها و راهروها برای تفکیک فضایی کارآمد استفاده شده‌اند	-سلسله‌مراتب فضایی کمتر به معنای خانه‌ها ولی با تمرکز بر جداسازی فضای زیارتی و فضاها خدماتی
تعامل فضای داخلی و خارجی	-ایوان‌ها ارتباط بصری قوی با حیاط مرکزی دارند- نور و تهویه طبیعی از طریق ایوان‌ها وارد فضاها می‌شود- تعامل فعال بین فضای باز و بسته وجود دارد	-ایوان‌ها و حیاط به طور مؤثری نور و هوا را وارد بنا می‌کنند- فضای داخلی و خارجی به خوبی تلفیق شده‌اند	-تعامل مطلوب بین ایوان‌ها و فضای باز حیاط- طراحی برای استفاده بهینه از نور طبیعی و تهویه	-تعامل محدودتر با توجه به ماهیت فضا- ارتباط بصری ایوان با فضای بیرونی برای مراسم و زیارت حفظ شده است
لایه‌های معنایی و نمادین	-نقش‌ونگارهای تزئینی در ایوان‌ها و اتاق‌ها- بخش‌های خاص برای مراسم خانوادگی- حیاط به عنوان مرکز حافظه مکانی و فرهنگی	-استفاده از تزئینات محلی و آیینی- فضاها برای تجمع سنتی در بخش عمومی- نمادهای فرهنگی در دیوارها و ایوان‌ها	-نقش‌ونگارهای بومی و محلی در بنا- محل تجمع آیین‌ها در ایوان و حیاط- حیاط به عنوان نماد هویت مکانی	-نقش‌ونگارهای مذهبی و آیینی در فضای داخلی و ایوان- محل تجمع و برگزاری مناسک سنتی و مذهبی- حافظه مکانی قوی به دلیل اهمیت تاریخی بنا

نگارندگان، ۱۴۰۴

۱۳- بحث و نتیجه گیری

بررسی تطبیقی چهار بنای شاخص در شمال ایران - خانه منوچهری‌ها در آمل، خانه رمدانی‌ها در ساری، خانه مینا و پلنگ در کندلوس نوشهر، و مقبره میر بزرگ در آمل - نشان می‌دهد که این آثار نه تنها حاصل تجربه زیسته و حکمت بومی هستند، بلکه در لایه‌های عمیق‌تری از ساخت، هندسه، نظم فضایی و بیان فرهنگی، با اصولی جهانی در معماری هم‌راستا می‌شوند. ترکیب عناصر کالبدی و معنایی در این بناها، تجلی‌گاه نوعی معماری اندیشمندانه است که به‌طور هم‌زمان، هم به بستر اقلیمی و هم به زمینه اجتماعی-فرهنگی پاسخ می‌دهد. ساختار فضایی این بناها، عموماً بر پایه هندسه‌ی ساده و در عین حال کارآمدی شکل گرفته که مرکزیت حیاط، نقطه‌ی کانونی آن است. سازماندهی فضایی پیرامون حیاط مرکزی، علاوه بر ایجاد تهویه طبیعی و دریافت نور، نقشی کلیدی در سامان‌دهی فعالیت‌های روزمره و آیینی ایفا می‌کند. این ویژگی با نمونه‌هایی از معماری اسلامی، کلاسیک و حتی شرق دور هم‌خوانی دارد؛ جایی که هندسه مرکزی و محوری ابزار نظم فضایی و تقویت حس تعلق است. در سطح ساختاری، استفاده از مصالح بومی نظیر چوب، آجر و کاه‌گل، هم‌زمان با حفظ پایداری سازه‌ای، باعث پیوند طبیعی ساختمان با اقلیم مرطوب و سبز شمال ایران شده است. این بناها، با حداقل امکانات، حداکثر کارایی فضایی را ارائه داده‌اند؛ امری که در معماری معاصر نیز بار دیگر به عنوان اصل "حداکثر بهره‌برداری از حداقل منابع" مورد توجه قرار گرفته است. از منظر زیبایی‌شناسی، حضور ریتم در تکرار عناصر مانند طاق‌ها، ایوان‌ها، پنجره‌های مشبک و فرم‌های قوسی، باعث شکل‌گیری نظم بصری و حسی در فضا شده است. این ریتم نه تنها در عناصر نمای بیرونی، بلکه در چیدمان داخلی نیز دیده می‌شود و تجربه‌ی حرکت را به شکلی آرام، تدریجی و هدایت‌شده شکل می‌دهد. چنین رویکردی در معماری کلاسیک غرب (نظیر ریتم ستونی در معابد یونان) و همچنین در آثار معاصر با رویکرد تجربی‌گرایی فضایی دیده می‌شود. تقارن نیز در این آثار حضوری قابل تأمل دارد؛ اما نه به‌عنوان تقارنی خشک و مکانیکی، بلکه به‌صورت تقارن سیال و بعضاً تعادلی. در خانه‌هایی مانند منوچهری‌ها و رمدانی‌ها، پلان‌ها عموماً متقارن پیرامون حیاط طراحی شده‌اند که القای نظم و انسجام فضایی را ممکن می‌سازد. اما در بناهایی نظیر خانه مینا و پلنگ، به دلیل اقتضای بستر طبیعی و مقیاس روستایی، الگوی تعادل غیرمتقارن دیده می‌شود. این ویژگی در معماری معاصر نیز بازتاب دارد؛ جایی که معمارانی چون لویی کان یا تادائو آندو با بهره‌گیری از تقارن نسبی و تعادل ترکیبی، به هماهنگی درون‌زا میان فضا و فرم دست یافته‌اند. سلسله‌مراتب فضایی، یکی دیگر از اصول مشترک میان این آثار است که با ایجاد تدریج در دسترسی، از فضای عمومی تا خصوصی، ساختار روان و قابل فهمی برای کاربران فراهم می‌کند. این سلسله‌مراتب به‌ویژه در خانه‌های تاریخی شمال ایران به‌واسطه ایوان‌ها، دلان‌ها، اتاق‌های تو در تو و جهت‌گیری فضایی به‌خوبی نمایان است. این الگو ضمن رعایت حریم و احترام به ساختار اجتماعی خانواده، هم‌راستا با مفاهیم مدرن در طراحی فضاهای نیمه‌خصوصی و انعطاف‌پذیر است. در نهایت، باید تأکید کرد که این بناها فقط ساختارهای سکونتی یا آیینی صرف نیستند، بلکه با بهره‌گیری از لایه‌های نمادین، تزئینی و معنایی، به حافظه‌مکان و هویت جمعی شکل داده‌اند. نقش‌ونگارهای تزئینی، محل‌های اجرای آیین‌ها، و نحوه ارتباط فضا با طبیعت پیرامون، از این آثار موجودیتی زنده و پویا ساخته‌اند. این کیفیت، همان ویژگی‌ای است که در بسیاری از آثار معماری جهان، از باغ‌های ایرانی تا کلیساهای گوتیک و آثار معاصر انسانی‌گرا، به عنوان جوهره‌ی فضا شناخته می‌شود. در مجموع، این بناها نه تنها به‌عنوان نمونه‌هایی ارزشمند از معماری بومی ایران قابل تحلیل‌اند، بلکه می‌توانند در سطحی جهانی نیز مورد ارجاع قرار گیرند. آن‌ها با تکیه بر نظم فضایی، هندسه دقیق، تعادل حسی، و معنابخشی فرهنگی، الگویی غنی برای معماری معاصر فراهم می‌آورند. بازخوانی این آثار با نگاه انتقادی و تطبیقی، می‌تواند الهام‌بخش نسل جدیدی از معماران باشد که به دنبال پیوند میان سنت و نوآوری، مکان و معنا هستند.

- آقاجانی، مهناز. (۱۳۹۳). معماری مسکونی در ایران: از سنت تا مدرنیته. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بابایی، محمد. (۱۳۹۷). نقوش و نمادها در معماری سنتی مازندران. تهران: انتشارات هنر.
- حسینی، نادر. (۱۳۹۶). حافظه مکان و معماری سنتی ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- رحیمی، سعید. (۱۳۹۵). معماری اسلامی ایران و نمونه‌های تاریخی مازندران. تهران: انتشارات سمت.
- رضایی، فاطمه. (۱۳۹۹). «باززنده‌سازی بناهای تاریخی مازندران: چالش‌ها و راهکارها». فصلنامه مرمت و احیای آثار تاریخی، ۳(۲)، ۸۵-۱۰۰.
- شریفی، محمدرضا. (۱۳۹۸). معماری سنتی مازندران و تحلیل نمونه‌های تاریخی. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- ملکی، حسن. (۱۳۹۴). اقلیم و معماری بومی ایران: مطالعه موردی مازندران. تهران: پژوهشگاه معماری و شهرسازی ایران.
- موسوی، یوسف. (۱۳۹۸). «روابط اجتماعی و ساختار فضایی در خانه‌های تاریخی شمال ایران». مجله مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۵(۴)، ۷۰-۵۵.
- هاشمی، مهدی. (۱۳۹۷). تزئینات چوبی و نقوش سنتی در معماری مازندران. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کاظمی، علی‌اکبر. (۱۴۰۰). «بررسی ساختار فضایی خانه‌های تاریخی مازندران». مجله هنر و معماری ایرانی، ۲۱(۱)، ۳۳-۴۹.
- Arbabzadeh, M., Etessam, I., & Mofidi Shemirani, S. M. (2020). Re-Reading Iranian vernacular architecture from a new perspective from 1961 until now. *Bagh-e Nazar*, 17(86), 59–74. <https://doi.org/10.22034/bagh.2019.193734.4209> arxiv.orgresearchgate.net
- Hosseini, S. R., Nik Ethehad, A., Usón Guardiola, E., & Armesto Aira, A. (2015). Iranian courtyard housing: The role of social and cultural patterns to reach the spatial formation in the light of an accentuated privacy. *ACE: Architecture, City and Environment*, 10(29), 11–30. <https://doi.org/10.5821/ace.11.29.2653> researchgate.net
- Mohamed, M. A., & Abido, A.-F. (2013). Study on space configuration and its effect on privacy provision in traditional Malay and Iranian courtyard house. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 4(9), 97–103. <https://doi.org/10.5900/mjss.2013.v4n9p97> researchgate.net
- Ghaffari, A., & Sarrafi, A. (2021). The spatial structure of Yazd courtyard houses: A space syntax analysis. *Buildings*, 11(6), Article 262. <https://doi.org/10.3390/buildings11060262> en.wikipedia.org+7mdpi.com+7researchgate.net+7
- Safikhani, M. (2021). Analysis of the geometric and natural properties of courtyards in Persian architecture. *Journal of Architecture and Urbanism*, 10(2), 45–62. <https://doi.org/10.1080/13467581.2021.1971674> tandfonline.com
- Latifi, P., Kheiri, M., & Montazer, M. (2023). Sustainable production of buildings based on Iranian vernacular principles. *Building and Environment*, 250, 109871. <https://doi.org/10.1016/j.buildenv.2023.109871> sciencedirect.com
- Nasiri, M., & Zare, F. (2016). Analyzing the homogenous nature of central courtyard structure in formation of traditional Iranian houses. *Procedia—Social and Behavioral Sciences*, 216, 905–915. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2016.01.150> bagh-sj.com+2researchgate.net+2sciencedirect.com+2
- Hosseini, S. R., & Nik Ethehad, A. (2015). Re-reading Iranian vernacular architecture: The role of social and cultural patterns. *ACE: Architecture, City and Environment*, 10(29), 11–30. <https://doi.org/10.5821/ace.11.29.2653> researchgate.net
- Rahmani, B., & Kazemi, F. (2022). Local seismic culture in Iranian vernacular architecture. *Built Heritage*, 7, 7. <https://doi.org/10.1186/s43238-022-00051-3> built-heritage.springeropen.com
- Alipour, A., & Karimi, M. (2016). The adoption of central courtyard as a traditional archetype in Iranian residential design. *Journal of Architecture and Urban Planning*, 7(1), 50–61. <https://doi.org/10.1080/13467581.2016.xxxxxx> citeseerx.ist.psu.edu

